

## افغانستان

آزادی بیان داریم اما امنیت نداریم

از هفت سال دولت حامد کرزی آزادی مطبوعات چه سودی  
برده است؟



گزارشگران : وانسان بروسل- ژان فرانسوا ژولیارد - رضا معینی

گزارشگران بدون مرز

47 rue Vivienne

75002 Paris

[persan@rsf.org](mailto:persan@rsf.org)

[www.rsf.org](http://www.rsf.org)

[www.rsf-persan.org](http://www.rsf-persan.org)

سال ۲۰۰۸ به ۵۰ مورد نقض فاحش آزادی مطبوعات اشاره کرده است که ۲۸ مورد آن از سوی ماموران دولتی و ۶ مورد از سوی طالبان انجام گرفته است. **سید عبدالوحید هاشمی** رئیس این سازمان گزارش را چنین جمع بندی می کند: "اکثریت این حملات در کابل انجام گرفته است. تعداد خبرنگاران مستقل در جنوب کشور کاهش یافته است."

### آزادی مطبوعات اولویت دولت است؟

گزارشگران بدون مرز رئیس جمهور حامد کرزی و جامعه جهانی را فرا می خواند که دفاع از آزادی مطبوعات را در اولویت برنامه های خود قرار دهند.

افغانستان امروز دارای بیش از ۳۰۰ نشریه، ۱۴ روزنامه، دست کم پانزده شبکه تلویزیونی، و صدها رادیوی خصوصی و ۷ آژانس خبری است. در کشور هیچگاه به این تعداد رسانه و خبرنگار وجود نداشته است. کثرت گرایی یک واقعیت غیر قابل انکار است که حاصل سیاست حامد کرزی و جامعه جهانی است. اما به شکل موازی به همین میزان خشونت علیه مطبوعات نیز افزایش داشته است. در این رابطه نشانه ای از اجرای تعهدات مقامات رسمی برای پایان دادن به وضعیت دیده نمی شود.

**فریده نیکزاد** معاون سردبیر آژانس خبری پژواک عدم امنیت را چنین توصیف می کند: "اولین نگرانی ما از دشمنی مخالفان مسلح و به ویژه برخی از گروه های طالبان است. سپس برخی از تفسیرهای مذهبی و سنتی، حقوق زنان برای روزنامه نگار شدن را تهدید می کند. جنگ سالاران خطری هستند برای همه خبرنگارانی که به هر طریقی از قدرت آنها انتقاد می کنند. و در آخر نیروهای ائتلاف که برای اطلاع رسانی مانع ایجاد می کنند و به ویژه هنگام کشته شدن اشتباهی غیر نظامیان."

اغلب روزنامه نگاران افغانی که با ما سخن گفته اند از پیشرفت های بدست آمده از سال ۲۰۰۱ تا به حال ابراز رضایت کرده اند. **دکتر ایوبی** معاون شبکه باختر در این باره می گوید "روشن است که کارهای زیادی انجام گرفته است. آزادی مطبوعات

حکومت طالبان بر افغانستان در سال های ۱۳۷۵-۱۳۸۰ نقطه ای سیاه در تاریخ کشور است. به مدت پنج سال همه آزادی ها به جز آزادی دعا کردن در کشور مصادره شد. دولت کنونی افغانستان و جامعه جهانی آزادی مطبوعات را یکی از دستاوردهای فرا طالبان معرفی می کنند.

پدیدار شدن صدها رسانه و از جمله رادیو و تلویزیون خصوصی عمیقاً اشکال مطلع شدن مردم افغانستان را تغییر داده است. اما هفت سال پس از سقوط طالبان روزنامه نگاران از امنیت لازم برای انجام حرفه خود برخوردار نیستند. رسانه ها با تهدیدات تازه ای روبرو شده اند. مافیای مواد مخدر، آدم ربایان، استفاده به منظور سیاسی از اتهام "کفرگویی" و ... که دولت حامد کرزی آنگونه که انتظار می رفت نتوانست مهار کند.

در ماه جدی (دی) سال جاری هیئتی از گزارشگران بدون مرز برای تهیه گزارش به افغانستان سفر و در طی مدت ماموریت خود با وزارای عدلیه و فرهنگ و اطلاعات، مشاور مطبوعاتی و سخنگوی رئیس جمهور، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر، سخنگوی شورای علما، سازمان های جامعه مدنی، انجمن های روزنامه نگاران، خبرنگاران و آژانس های خبری بین المللی، افسران نیروهای ائتلاف و بسیاری از روزنامه نگاران شهرهای کابل، هرات، مزارشریف و قندهار دیدار و گفتگو کرد.

بحران امنیتی، سیاسی و اقتصادی که افغانستان را در بر گرفته است. اثرات جدی بر کارکرد خبرنگاران دارد. همه شهروندان در خطر قرار دارند از جمله حرفه کاران اطلاع رسانی، دولت از تامین امنیت ابتدایی روزنامه نگاران ناتوان است. گزارشگران بدون مرز از ژوئن ۲۰۰۷ (جوزا ۱۳۸۶) تا ژانویه ۲۰۰۸ (جدی ۱۳۸۷) دست کم ۲۴ تهاجم و حمله، ۳۵ مورد تهدید به مرگ، ۱۴ مورد دستگیری، و ۷ مورد اختطاف شمارش کرده است. ده ها روزنامه نگار که اغلب آنها زن بوده اند به ویژه در ولایت مختلف کشور مجبور به استعفا شده اند. سازمان غیر دولتی **نی** در گزارش سالیانه خود در باره آزادی مطبوعات در

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

دشتی از کابل ویکلی به صبر دعوت می‌کنند " جامعه ما به آرامی پیشرفت می‌کند این وظیفه روزنامه نگاران نیست که به این مباحث شتاب دهند."

از سوی دیگر **فاضل احمد معنوی** سخنگوی شورای علمای افغانستان می‌گوید " شورای علمای افغانستان آزادی بیان را محترم می‌شمارد و آن را دستاوردی مهم می‌داند. اما آزادی بیان به معنای توهین به مقدسات و اعتقادات مذهبی مردم نیست. هرگاه به شرع اسلام حمله شود وظیفه ما موضع گیری در این باره است."

در شرایط کنونی گزارشگران بدون مرز معتقد است که دولت باید قانون مطبوعات را هر چه زودتر به اجرا گذارد. با عدم مجازات قاتلان روزنامه نگاران مبارزه کند و اقدامات لازم را برای متوقف کردن تهدیدات و حملات انجام دهد. سخنگوی رئیس جمهور **همایون حمیدزاده** به گزارشگران بدون مرز اعلام کرد که " آزادی مطبوعات یکی از اولویتهای دولت است اما آزادی بیان مورد سواستفاده بسیاری از جمله کسانی که بدون دلیل تهمت و افترا می‌زنند، قرار گرفته است."

اگر در دفاع از آزادی بیان تعلل شود دولت با خطر از دست دادن اعتبارش در میان روزنامه نگاران روبرو خواهد شد و حمایت افکار عمومی جهانی و اینگونه حمایت اتحادیه اروپا را که به شکل سیاسی اقتصادی و نظامی از آن حمایت می‌کنند از دست خواهد داد.

مسئول دفتر حقوق بشر سازمان ملل می‌گوید " ۱۳۸۸ سالی خطرناک برای مطبوعات افغانستان است. وضعیت امنیتی و تنش پیش و پس از انتخابات ما را به هوشیاری فرا می‌خواند. " **باری سلام** مدیر رسانه صبح بخیر افغانستان در این باره می‌گوید " برای تضمین انتخاب دوباره خود دولت کنونی مجبور خواهد شد که در امر اطلاع رسانی اخلاص کند. چرا که شرایط کشور ناسف بار است. ما منتظر خبرهای بد هستیم و شرایط حمایت بین المللی از رسانه به قدرتمندی گذشته نیست."

یک واقعیت هر روزه ماست. اما با مشکلات بسیاری نیز روبرو هستیم. نبود امنیت برای روزنامه نگاران در ولایات، مشکل دسترسی به اطلاعات از جمله از سوی دولت، نبود اراده از سوی مقامات رسمی برای رعایت قانون اساسی و قوانینی که ما را حمایت می‌کنند."

بدون مطبوعاتی آزاد که قادر باشد خطاهای دولت را منعکس کند، دولت و جامعه جهانی چگونه می‌توانند مدعی مبارزه با فساد شوند که هر روز بیشتر دولت را به قعر خود فرو می‌کشد؟ وقتی عملاً گزارش تحقیقی در جنوب کشور منطقه‌ای عمدتاً تحت کنترل طالبان ناممکن است، چگونه می‌توان با ترافیک مواد مخدر مبارزه کرد؟ اگر دولت ناتوان در دفاع از آزادی بیان باشد چگونه می‌توان با تاریخ اندیشی طالبان مبارزه کرد؟ چگونه می‌توان پیشرفت اقتصادی را تسهیل کرد؟ در حالی که مناطقی از داشتن اطلاعات در باره فرصت‌های اهدا شده محروم هستند. و اگر روزنامه نگاران در بخش وسیعی از کشور خود امنیت نداشته باشند چگونه می‌توان تهاکری طالبان و جنگ سالاران را افشا کرد؟

برای مردم افغانستان و به ویژه جوانان که اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و با شور و شوق از رسانه های خصوصی استقبال کرده‌اند، آزادی مطبوعات نه وسیله ای تزئینی که یک ضرورت است. در حالی که به موعده انتخابات در سال ۱۳۸۸ نزدیک می‌شویم. حضور رسانه‌های افغانستان برای قضاوت در باره اینکه چه کسی فردا بر کشور حکومت می‌کند، برای مردم و جوانان ضروری است. در این باره اکثریت ناظران در پاسخ به گزارشگران بدون مرز، معتقدند که فضای آزاد برای اظهار نظر در باره مسائل مذهبی هنوز وجود ندارد. برخی چون **شهیر احمد ذهین** یکی از موسسان گروه رسانه‌ای کلید از ان متاسف است " روشنفکرانی چون محقق نسب سعی کردند که بحث را باز کنند ولی بلافاصله از سوی محافظه‌کاران و دستگاه قضایی جلوی آن را گرفت. برخی دیگر چون فهیم

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

### طالبان دشمنان آزادی مطبوعات

مخالفان مسلح و به ویژه گروه طالبان اصلی‌ترین مسئولیت را در وضعیت عدم امنیت کنونی بر عهده دارد. با تهدید و آزار از طریق تلفن، متهم کردن به جاسوسی و اختطاف روزنامه نگاران رعب و وحشت را در میان حرفه‌کاران رسانه‌ها دامن زده‌اند.



خاطره‌ی قتل روزنامه‌نگار **اجمل نقشبندی** بدست طالبان وابسته به گروه ملا داداله و همچنین یادآوری رژیم سانسور مطلق که در زمان حکومت امارات اسلامی افغانستان تحت رهبری ملا عمر برقرار بود، امکان باور به آشتی کردن جهادگران افغانی با آزادی بیان را نمی‌دهد. آنها همچنان دشمنان آزادی مطبوعات هستند.

اگر چه طالبان چندین بار روزنامه‌نگاران افغانی و خارجی را به پوشش خیری فعالیت‌هایشان دعوت کرده‌اند و یا برای آنها پیام‌های دلگرم کننده ارسال می‌کنند اما به آنها اجازه حرکت آزاد در مناطق تحت کنترل خود و مصاحبه با شاهدان بدکاری‌هایشان را نمی‌دهند. در یکی از گزارش‌های اخیر سازمان جهانی کریسیس (ICG) کشته شدن دو محصل مدرسه بدست یک طالب که با او بحث کرده‌اند تأیید کرده است.

گزارشگران بدون مرز هیچ توهمی در باره مفهوم آزادی مطبوعات از سوی طالبان ندارد. در گزارش منتشر شده از سوی گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۰۰ کشور "بدون اطلاعات و تصویر" که روزنامه‌نگاری به وضعیت تاسف‌باری نزول کرده بود، محکوم شده بود.

در افغانستان رادیوی طالبان صدای شرع در برخی از مناطق با کمک آنتن‌های متحرک فعالیت خود را آغاز کرده است. این رادیو مثل رادیوی‌هایی است که

گروه‌های جهادی در مناطق قبایلی پاکستان با موج اف ام پخش و به جهاد دعوت می‌کنند و برای ایجاد جو ارباب و ترور هر بار هدف بعدی خود را نیز اعلام می‌کنند. گزارشگران بدون مرز این رادیو و برخی از سایت‌های مرتبط با طالبان را "رسانه‌های کین‌پراکن" می‌داند که ستایشگر تروریسم و خشونت هستند.

اقدامات تروریستی تقلید شده از القاعده و گروه‌های جهادگر پاکستانی، زندگی خبرنگارانی که باید برای انجام وظایف خود، در رویدادهای عمومی نزدیک به مقامات شوند با خطر روبرو می‌کند. در جنوب افغانستان در سال ۲۰۰۷ فیلم برداری در حین انجام وظیفه به قتل رسید. و در ۱۴ ژانویه سال گذشته کارستن توماسن روزنامه‌نگار نروژی روزنامه‌ی داگبلادت در پی شدت جراحاتش به قتل رسید. وی در حمله انتحاری به هتل سرنا در کابل مجروح شده بود. مسئولیت این حمله را طالبان بر عهده گرفتند. یکی از مهاجمان این حمله دستگیر و به اعدام محکوم شده است. در آن سوی مرز و در پاکستان دست کم شش روزنامه‌نگار در اثر حملات مشابه جهادگران کشته شده‌اند. آخرین آنها موسی خانخال در منطقه سوات تیرباران و سربریده شد.

با این همه طالبان موفق شده‌اند با تهدید و با سیاست ارتباطاتی پیشرفته پیام‌های خود ارسال کنند. این غیر قابل پذیرش است که نقل قول کردن و دیدار با مخالفان مسلح برای روزنامه‌نگاران از سوی دولت افغانستان که تا مدتی این سیاست را اعمال می‌کرد، ممنوع شود. از سوی دیگر لازم است از سوی خبرنگاران موازینی حرفه‌ای بکار گرفته شود تا خبرنگاران به پیام رسان تبلیغاتی دشمنان قسم خورده آزادی مطبوعات تبدیل نشوند. در این باره **کارلوتا گال** گزارشگر روزنامه نیویورک تایمز در کابل می‌گوید "طالبان به رسانه‌ها برای ارسال پیام‌های خود و از این طریق جمع‌آوری پول در خارج و همچنین برای خودنشان دادن، نیاز دارند. در این رابطه آنها سیاست ارتباطاتی بهتری نسبت به دولت دارند."

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

### تهدید، اختطاف، قتل : وخامت واضح شرایط امنیتی

در سال ۲۰۰۸ دو روزنامه‌نگار به قتل رسیده و نزدیک به پنجاه تن زخمی و مورد تهاجم قرار گرفته‌اند. خبرنگاران افغانی و خارجی با خطرات مختلفی رو در رو هستند به طالبان که همچنان خبرنگارانی را که در برابر خواسته‌هایشان سرخم نمی‌کنند، تهدید می‌کنند و به قتل می‌رسانند، باندهای جنایتکار و مافیایی افزوده شده است. افزایش این دو عامل به وخامت وضعیت امنیتی کل کشور انجامیده است. در سال میلادی ۲۰۰۸ نزدیک به ۲۰۰۰ افراد ملکی به قتل رسیده‌اند. ۱۰۰۰ نفر از این افراد بدست طالبان به قتل رسیده‌اند و ۴۰۰ نفر به دست نیروهای ائتلاف و یا نظامیان افغان کشته شده‌اند.

در سال ۲۰۰۸ دست کم ۶ خبرنگار اختطاف شده‌اند. در برابر این شرایط سفارت‌خانه‌های به احتیاط فرا می‌خوانند. **سفیر فرانسه** در افغانستان در این باره می‌گوید: "افغانستان نباید به محلی برای روزنامه‌نگاران جوانی که به دنبال نام هستند تبدیل شود. باید روزنامه‌نگاران حرفه‌ای به این کشوری اعزام شوند. در حال حاضر اجبارا باید توصیه‌های امنیتی مشخصی را رعایت کرد، از جمله ارتباط دائم روزنامه‌نگار با رسانه‌ای که با آن کار می‌کند"

گزارشگران رسانه‌های خارجی که بنا بر شدت یافتن درگیری‌ها تعدادشان افزایش یافته است، موازین امنیتی دقیقی را بکار می‌گیرند. رئیس دفتر آژانس فرانس پرس در کابل می‌گوید: "ما ضرورت هر جایجا شدن را ارزیابی و امنیت دفترمان را افزایش داده‌ایم." کنستانس دو بونوانتور گزارشگر سابق رادیو بین‌الملل فرانسه در کابل در همین باره می‌گوید "من در ژانویه ۲۰۰۷ به کابل رسیدم و هیچ مشکل هم نداشتم. اما پیش از بازگشتم در پایان سال ۲۰۰۸ از ترس اختطاف کمتر از دفتر خارج می‌شدیم. این امر کاملا مناسبات ما را در این کشور عوض کرد. ارتباط ما با مردم قطع شد." فضای عدم امنیت اثری مستقیم بر کیفیت

اطلاع‌رسانی و بر توان رسانه‌ها در روشن کردن وضعیت در مناطق خطرناک دارد. **اکرام شینواری** از رادیو صدای امریکا رشد تهدیدات گروه‌های جنایتکاری که به زحمت قابل شناسایی‌اند را در پیوند با پرداخت باج از سوی برخی دولت‌های خارجی در موارد اختطاف می‌داند. "این باندهای مافیایی می‌دانند کارکنان رسانه‌های خارجی و از جمله خبرنگاران هم طعمه‌هایی آسان و هم سودآوری هستند."

یکی از تهدیدات رایجی که خبرنگاران با آن درگیر هستند ارسال اس ام اس و تلفن از طریق تلفن‌های همراه است. گزارشگران رسانه‌های پرسنل در روز چندین پیام از سوی طالبان، مسئولان سیاسی، کارکنان دولتی و یا افراد ناشناس دریافت می‌کنند. اکرام شینواری می‌گوید: "من در روز معمولا چند پیام دارم. گاهی که در همان لحظه نمی‌توانم پاسخ دهم، وقتی بعد تماس می‌گیریم مرا تهدید می‌کنند تازه خودم هم باید پول این تماس را بدهم!"

مدیر یکی از رادیو‌های کابل که همچون بسیاری از حرفه‌کاران مطبوعات که با گزارشگران بدون مرز صحبت کرده‌اند و نخواستند نامشان فاش شود، توضیح می‌دهد که "ما در آغاز سعی می‌کردیم در باره مواد مخدر و اختطاف‌گران گزارش تحقیقی تهیه کنیم. اما به مرور این کار خطرناک شد. جنایتکاران بسیار قدرتمند هستند. دیدید که چه بر سر عبدالصمد روحانی خبرنگار بی بی سی در کندهار آمد وقتی در باره مواد مخدر گزارش تهیه کرد. او را کشتند. امروز خودسانسوری در باره ارتباطات قاچاقچیان مواد مخدر و اختطاف‌گران و آنهایی که با روابط سیاسی خود ثروتمند شده‌اند بیشتر شده است. چه کسی می‌تواند در باره افرادی که به این راحتی می‌توانند شما را از بین ببرند گزارش تهیه کند."

مدیر یک روزنامه می‌گوید "امروز وقتی که من در باره یکی از سران باندهای قاچاق مواد مخدر اطلاعاتی بدست می‌آورم آنرا به خبرنگاران خارجی

گزارش افغانستان حوت ۱۲۸۷

حمایت خویش او را مطمئن کرده بود. عبدالاحد رنجبر به گزارشگران بدون مرز گفت: "در بعد از این تماس ها خبری نشد. من گمان می کنم همان کسانی که نمی خواهند تحقیقات به پایان برسد نظر ایشان را عوض کرده اند."

وزارت کشور قادر نبود تا در باره پیشرفت تحقیقات پیرامون قتل زکیه زکی، عبدالصمد روحانی، روزنامه نگاران آلمانی کارن فیشر و کریستین استرو توضیحاتی ارائه کند. وزیر عدلیه سرور دانش در پاسخ به گزارشگران بدون مرز قول داد که در مورد این "مشکل واقعی" اقدام کند.

### افزایش دستگیری روزنامه نگاران

تعدد دستگیری روزنامه نگاران از سوی ماموران پلیس و امنیت داخلی و یا طالبان احساس عدم امنیت را بیشتر کرده است. در ماه میزان سال جاری میرحیدر مطهر مدیر روزنامه آرمان ملی بیش از ده ساعت از سوی پلیس کابل در بازداشت بسر برد. وی مقاله‌ای بشدت انتقادی با نام "کودتای کرزی" منتشر کرد که در آن "غلبه پشتوها در دولت" را تقبیح کرده بود.

از سوی دیگر نصیر فیاض در تاریخ ۷ اسد با دستور دولت از سوی ماموران امنیت ملی بازداشت شد. روزنامه نگار و مجری برنامه "حقیقت" شبکه تلویزیون آریانا دو وزیر دولت، محمد امین فرهنگ وزیر تجارت و صنایع کشور و الحاج اسماعیل خان وزیر انرژی و آب را "دزد" نامید. امری که منجر به دخالت پلیس و تعطیل شدن برنامه گردید. بنا به گفته بسیاری از روزنامه نگارانی که از سوی گزارشگران بدون مرز در این باره مورد سوال قرار گرفتند، معتقد بودند که علیرغم آنکه برنامه حقیقت معروف به استقلال در تحقیقات بود اما در این باره نصیر فیاض با حمله شخصی به وزرای دولت از چارچوب حرفه‌ای خارج شده است.

در باره این رویدادها پاسخ مقامات این بود که قانون حمله شخصی و بدون مدرک را ممنوع کرده است. اگر چه روزنامه نگاران بالاتر از قانون قرار ندارند اما

می‌دهم، برای انتشار آن در روزنامه خودم احساس امنیت نمی‌کنم. البته من می‌توانم در باره معتادان در کابل کار کنم و یا در سرمقاله‌ای بدون بردن نام از مسئولان عالی‌رتبه انتقاد کنم"

منشا تهدید را گاه به دشواری می توان تشخیص داد. بعنوان مثال سو قصد علیه **رهنورد زریاب** در تاریخ ۹ حمل در محله مکرویان کابل توسط چه کسی انجام گرفت؟ در این روز مرد مسلحی که به خانه روزنامه نگار نزدیک می‌شد توسط همسایگان فراری داده شد. چه کسی می‌خواست **وکیل احمد احساس** خبرنگار رادیو صدای امریکا را در برابر منزلش در کابل اختطاف کند. ربایندگان با ماشین وی متواری شدند اما برای این روزنامه نگار همچنان پیام های تهدید ارسال می شود.

**اسماعیل سادات** مسول دفتر دری و پشتو بی بی سی، ارتباط میان گروه های مافیایی را با بخشی از دلتمردان تائید می‌کند "منافع مافیایی که از مواد مخدر و اختطاف تغذیه می‌کند در این است که در خفا بماند. اینگونه ترس را بر رسانه‌های افغان و خارجی بدون نشان دادن خود تحمیل می شود."

مدیر یکی از هفته نامه های کابل می‌گوید: "ما همه‌ی اطلاعات لازم را در باره مامورانی که در قاچاق مواد مخدر دست دارند از طریق شبکه خبری خود بدست می آوریم ولی هیچکس جرات نمی‌کند علیه آنها مدرک مستند ارائه کند. حتا تعدادی از وزرا که از رهبران مافیا پرونده دارند، نمی‌خواهند آنها را به مطبوعات دهند."

رئیس جمهور حامد کرزی بارها به شکل علنی در مورد روزنامه نگاران به قتل رسیده مورد سوال قرار گرفته است. از جمله در ماه اسد سال جاری به هنگام ملاقات با انجمن‌های رادیوهای افغانستان **عبدالاحد رنجبر** همسر زکیه زکی در باره سرانجام تحقیقات وی را مورد خطاب قرار داده است. که رئیس دولت این سوال را بی‌پاسخ گذاشته است. در حالی که هفته اول پس از قتل این خبرنگار، رئیس جمهور چند بار با وی تلفنی صحبت و از

گزارش افغانستان حوت ۱۲۸۷

طالبان ارتباط نداشت؟ این امری عادی است و حق من است (...). بعد از شکنجه‌های اولیه آنها سعی کردند مرا فریب دهند مثلاً می‌گفتند که شبکه تلویزیون کانادایی سی تی وی (CTV) که من با آن کار می‌کردم مرا لو داده است. پلیس نیز از زور علیه روزنامه‌نگاران استفاده می‌کند. در تاریخ ۱۵ قوس سال جاری **بار محمد نوقی** فیلم‌بردار تلویزیون طلوع در حالی که تظاهراتی را در برابر کمیساریای پلیس تحت پوشش خبری قرار می‌داد، از سوی پلیس مورد لت و کوب قرار گرفت. **جاوید روستاپور** گزارشگر هفته نامه جبهه ملی زمانی که کیف دستی‌اش بازرسی می‌شد از سوی پلیس مورد ضرب و شتم قرار گرفت. این روزنامه نگار به انجمن نی گفته است که پلیس با تهدید به وی گفته است " شما ژورنالیستان نمی‌گذارید ما کارمان را انجام بدهیم. من از اسم و کار شما بدم می‌آید."

### در باره عدم امنیت گزارشگران بدون مرز توصیه می‌کند:

- ۱- به رسانه‌ها: که موازین حمایت و حفاظت از روزنامه‌نگاران را بیشتر کنند.
- ۲- به وزیر امور داخله "نیروی عملیاتی" برای تحقیق در باره روزنامه‌نگاران به قتل رسیده و مورد حمله قرار گرفته تشکیل دهد.
- ۳- به وزیر امور داخله: که در باره هر حمله تحقیقات جدی انجام گیرد و مسئولان آن مجازات شوند.
- ۴- به وزیر عدلیه که: پیشرفت تحقیقات را تضمین و دوسیه تکمیل شده به سارنوالی و قضات تحویل داده شود.
- ۵- به جامعه جهانی که برنامه ارتقا امنیت ژورنالیستان را تامین کند.

### نقطه های سیاه اطلاع رسانی در جنوب افغانستان

جنوب و شرق افغانستان بشدت بی ثبات هستند و از تعداد خبرنگارانی که به این دو منطقه می‌روند کاسته شده است، این دو منطقه که از کنترل دولت خارج شده به دو نقطه سیاه کسب معلومات تبدیل

تاسف‌آور است که اولین واکنش مقامات صدور دستور دستگیری آنها باشد. در مورد بازداشت نصیر فیاض این دستگیری در پی "جلسه نوبتی شورای وزیران" در همان روز انجام گرفته است که آن در باره نصیر فیاض و "چگونگی تمویل تلویزیون های خصوصی" بحث شده است. در گزارشی از این جلسه که بدست ما رسیده آمده است آمده است که "یکتعداد رسانه های چاپی، تصویری و سمعی شخصیت های ملی، اعم از وزراء و شخصیت های نام‌آور و پر افتخار کشور را مورد اهانت و تهمت های ناروا قرار می‌دهند، یکی از همچو اتهامات علیه عده از اعضای شورای وزیران در برنامه حقیقت تلویزیون آریانا در شب گذشته توسط گرداننده پروگرام آقای نصیر فیاض صورت گرفت که اتهامات مذکور عاری از حقیقت بوده است" در شامگاه ۲۰ حوت **احمد جاوید** در مرکز شهر کندهار توسط افراد ناشناس به قتل رسید.



**احمد جاوید** در ۱۱ عقرب توسط نظامیان امریکایی در پایگاه کندهار بازداشت شد. این خبرنگار که همکاریش را از شبکه تلویزیون کانادایی سی تی وی (CTV) همراهی می‌کرد، برای داشتن شماره تلفن یکی از مسئولان طالبان در تلفن همراه خود و مصاحبه با وی از سوی ارتش امریکا متهم به "دشمن جنگنجو" شد. این روزنامه نگار جوان ۲۳ در تاریخ ۲ میزان سال جاری پس از یازده ماه بازداشت در زندان بگرام بدون هیچ اتهام مشخصی به نزد خانواده اش در کندهار بازگشت. اما به هنگام آزادی ارتش امریکا به وی گواهی داد، که وی "خطری برای ارتش امریکا" محسوب نمی‌شود. در پی آزادی این خبرنگار به گزارشگران بدون مرز گفته بود "مرا بعنوان روزنامه‌نگار بازداشت و متهم کردند، اما در جنوب افغانستان چگونه می‌شود کار کرد و با

پیمان روزنامه‌ای با بنای محکمی بود. با این حال در طی چند هفته همه چیز عوض شد، مدیریت روزنامه در تاریخ ۲۲ دلو ( بهمن) مجبور به تعطیل کردن آن شد. یک ماه پیش از آن روزنامه پیمان یک مقاله بارگذاری شده از روی اینترنت را به علت تشابه اسمی با نوشته‌ی یکی از روزنامه نگاران به اشتباه منتشر کرد. در این مقاله به مذاهب نسبت های بی‌اساس زده شده بود. پیمان اما قربانی کارزار دشمنانه ای از سوی محافظه کاران و دولت شد. علیرغم عذرخواهی علنی اما بدون آنکه از سوی مقامات رسمی مورد حمایت قرار گیرند، روزنامه‌نگاران آن بازداشت و به دفترش حمله شد و مسئولان آن به مرگ تهدید شدند.

یکی از روزنامه نگاران بازداشت شده در بعد از آزادی اعلام کرد که " از سوی مردان مسلح مورد تعقیب قرار گرفته است. زندگی اش در خطر قرار گرفته است. و نمی تواند به خانه اش برود. من نمی توانم کشور را با اتهام "کفرگویی" ترک کنم. حتی در زندان هم خودم و برادرم مورد تهدید قرار گرفتیم"

شورای علما مستقیماً وارد عمل شد تا مسئولان روزنامه مجازات شوند. مولوی شینواری رئیس این شورای در فردای انتشار مقاله با صدور اطلاعیه‌ای "کفرگویی" را محکوم کرد.

مقامات رسمی مسئولیتی سنگین در تعطیل شدن روزنامه دارند. در اصل سارنوال (دادستان) در حالی که روزنامه عذرخواهی کرده بود آنرا تحت تعقیب قضایی قرار داد. دستور بازداشت سید احمد هاشمی مدیر روزنامه که در ماموریت در خارج از کشور به سر می برد صادر شد. این پیگرد قضایی می تواند با هدف ساکت کردن روزنامه که نسبت به دولت و از جمله فساد مالی مسئولان سیاسی رویکردی انتقادی داشت صورت گرفته باشد. مهسا طابع یکی از مسئولان روزنامه در این باره می گوید " روزنامه قربانی سیاستی شد که دولت در پشت آن قرار دارد. "

یکی از مسئولان بخش فارسی و پشتو بی سی سی که یکی از گزارشگران اش به تازه‌گی در اثر تهدید مجبور به ترک قندهار شده است، تاکید دارد که " وقتی ما خبری را پخش نمی کنیم گزارشگران ما در ولایات در وضعیت بدی قرار می‌گیرند. چرا که به آنها تلفن می‌شود و آنها را تهدید می‌کنند. اما در اکثر موارد اطلاعات داده شده یا نادرست است یا ما نتوانسته‌ایم واکنش دولت در این باره را بدست آوریم."

گفته‌های یکی از خبرنگاران قندهار به گزارشگران بدون مرز روشن‌گر است " تا چند ماه پیش وقتی گزارشی از طالبان منتشر نمی‌کردم با تماس تلفنی مرا متهم به جاسوس و یا نامسلمان بودن می‌کردند اما حالا دیگر مرا بعنوان کافر به مرگ تهدید کردند. و این نیز به تهدیدات قاچاق‌سالاران اضافه شد، هیچ امکانی برای تامین امنیتم نداشتم مجبور شدم قندهار را ترک کنم. "

اگر چه تعدادی از روزنامه نگاران هنوز در قندهار حضور دارند اما قدرت عمل شان تقلیل یافته است. خبرنگار یکی از رادیو های بین المللی می‌گوید : " کار در مناطق تحت نفوذ طالبان بسیار خطرناک است. وقتی از دست شورشیان مسلح رها می‌شویم، آنگاه نوبت قوای امنیتی است که ما را دستگیر کنند و بیرسند اینجا چه کار می‌کردید." و گزارشگر رادیو صدای امریکا ماجرای تهدید شدن از سوی طالبان و ترک قندهار را چنین تعریف می‌کند. " یکی از قوماندانان طالبان به تلفن دستی من زنگ زد و مرا تهدید کرد، منم به یکی از سخنگویان رسمی آنها تلفن کردم و ماجرا را تعریف کردم اما

شده‌اند. **محمد امین مدقیق** مدیر دفتر رادیو آزادی در کابل در این باره می‌گوید " وضعیت تاسف‌باری است ما دیگر نمی توانیم با اطمینان بگویم که در مناطق تحت نفوذ طالبان چه می گذرد. به علت جنگ ما بیش از ۵۰ درصد آزادی‌هایمان را از دست داده‌ایم. قبلاً می‌توانستیم به هر کجای کشور برویم. حالا فقط باید به ماندن در شهرها قناعت کنیم."

گزارشگر یکی از خبرگزاری‌های بین‌المللی تاکید دارد " که ما دیگر نمی توانیم با موتورهای عادی به مناطقی که می‌دانیم طالبان حضور دارند، برویم. معمولاً گزارشگران محلی ما به این مکان‌ها می‌روند که آنها نیز محدودیت هایی دارند."

رئیس دفتر آژانس فرانس پرس در کابل این نظر را قبول دارد که بخش‌های عمده‌ای از کشور به شکل کلی از پوشش خبری خارج هستند. **برونون**

**روبرت** می گوید "با افزایش اختطاف‌گری، بین دستوراتی که به ما برای خطر نکردن می دهند و با توجه به هزینه‌ای باید برای آن پردازیم عملاً نمی‌توانیم به مناطقی که تحت کنترل طالبان هستند برویم."

روزنامه‌نگار یکی از رادیوهای سراسری برای گزارشگران اش در جنوب و شرق کشور نگران است. " در طی چند ماه گزارشگران ما در خوست و کندهار تهدید به مرگ شده اند. البته ما می توانیم آنها را به کابل بیاوریم ولی این به معنای از دست دادن کارشان است. مافیا و طالبان در حال خالی کردن برخی مناطق از گزارشگران هستند."



گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

**کارلونا گال** خبرنگار نیویورک تایمز که از سالها پیش در افغانستان بکار مشغول است این مشکل را نسبی می‌بیند " هنوز هم امکان دارد تا از مناطق تحت کنترل طالبان از طریق کسانی که به شهر رفت و آمد دارند اطلاعات بدست آورد اما برای تصدیق خبر به آنجا رفتن خطرناک است. "

در مناطقی که طالبان فعال هستند هنوز هم به شکل منظم خبرنگاران را دستگیر و تا زمانی که هویتشان معلوم نشود آنها را آزاد نمی‌کنند. در ماه قوس (آذر)، **دعواخان منپال** خبرنگار رادیو آزادی و **عزیز پوپال** از شبکه تلویزیون محلی هواد بعد از سه روز بازداشت در ولایت غزنی آزاد شدند. تصمیم به آزادی آنها از سوی شورای عالی طالبان بعد از معلوم شدن خبرنگار بودنشان اتخاذ شد. عزیز پوپال به روزنامه کانادایی گلوبال اند میل گفته بود: " هنوز هم که این ماجرا را تعریف می‌کنم بدلم می‌لرزد. آنها ما را کتک زدند اما از نظر روحی هنوز ناراحتی دارم" و همبندش دعواخان منپال اعلام کرده بود: " در مدت بازداشت قوماندان های محلی گفته‌اند که روسای آنها می‌خواسته‌اند به ما بفهمانند که باید مستقل ماند. اما در این مدت فهمیدم که آنها شنوندگان دائم رادیو آزادی هستند."

در اواسط ماه جدی (دی) گزارشگر شبکه الجزیرا نیز به مدت سی ساعات از سوی طالبان به اسارت گرفته شد. بعد از مشخص شدن خبرنگار بودنش او را آزاد کردند.

برخی از فرماندهان طالبان مانند ملا خداد که در سال گذشته کشته شد و یا برادران حقانی تهدیداتی جدی علیه مطبوعات محسوب می‌شوند. وزیر سابق اطلاعات طالبان قدرت اله جمال دو سال پیش اعلام کرده بود که: " برخی از رسانه ها با طالبان رفتاری درستی ندارند. مثلا بیانیه های ما را منتشر نمی‌کنند. در عوض هر چه دشمنان می‌گویند، بدون تلاش برای بدست آوردن نقطه نظر طالبان منتشر می‌کنند. ما هر کس را که اینگونه رفتار کند می‌کشیم. ما از رسانه ها می‌خواهیم که

تغییری در وضعیت من روی نداد، در ماه سنبله از چند منبع شنیدم که آنها قصد دارند مرا بکشند. دیگر گزارشگران رادیوهای بین المللی هم مثل من مجبور به ترک کندهار شدند تا قربانی این سووقدهای هدفمند نشوند"

روزنامه نگاران مجبور به رعایت موازین امنیتی استثنایی هستند یک روزنامه نگار کندهاری شهادت می‌دهد " گاه برای رفتن از خانه تا محل کارم من ۵ موتور عوض می‌کنم. برخی از گزارشگران رسانه‌های پرشنونده از نام و صدای خود برای گزارش استفاده نمی‌کنند. تعدادی از گزارشگران رادیو جهانی بی بی سی و یکی از گزارشگران آژانس خبری پژواک بعثت خطرناک بودن شرایط به فعالیت خود پایان داده اند."

فیلم‌برداران و عکاسان آسیب بیشتر متحمل شده‌اند. چرا که نظامیان افغانی و خارجی هم مانع حضورشان در محل رویدادها می‌شوند. در ماه ثور دوربین های گزارشگر آژانس فرانس پرس و رویترز از سوی نظامیان خارجی به مدت دو روز مصادره شد. آنها از حمله به کاروان‌های نظامیان فیلم گرفته بودند. مسئول یکی از موسسات گسترش رادیو در افغانستان در باره برخی از ولایات هشدار می‌دهد: " در نورستان با ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت می‌خواستیم رادیو را راه اندازی کنیم. ولی فقط یک نفر حاضر شد برای ایستگاه رادیوی جدید کار کند. همه‌ی کارکنان رادیو زالما نیز بر اثر تهدیدات دائم مجبور شدند که در مرکز ولایت مستقر شوند."

عبدالوحد هاشمی از انجمن نی استراتژی طالبان را چنین توضیح می‌دهد: " در رسانه‌های محلی مناطق تحت نفوذ شان در اثر ترس خودسانسوری در باره شرایط زندگی را هر روز بیشتر می‌بینیم. در حالی که در برخی از ولایات تعداد رسانه ها محدود است. در زابل هیچ رادیوی مستقلی وجود ندارد. مدیر رادیو سامکانی به دلیل استقلال عملش از سوی ماموران امنیت ملی چندی در بازداشت بسر برد."

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

برابر رسانه‌ها بکار بسته‌اند. می‌خواهند هم‌ردیف با مقامات رسمی با آنها رفتار شود. اما ما نمی‌توانیم با آنها دیدار کنیم. از آنها نقل قول می‌کنیم اما به این راضی نیستند و گزارشگران ما را تهدید می‌کنند." سردبیر یکی از شبکه‌های رادیویی می‌گوید " آنها به آزادی مطبوعات اعتقاد ندارند، اما متوجه شده‌اند که بدون رسانه نمی‌توانند بر نفوذ خود بیفزایند و چون رسانه پرنفوذ ندارند از ما استفاده می‌کنند."

مدیر رادیو آزادی که تأیید می‌کند هر روز بیشتر با شرایط خطرناکی برای گزارشگرانش روبرو است می‌گوید " در سال میلادی ۲۰۰۸ دو تن از ژورنالیستان ما اختطاف شدند و نه با اعمال فشارهای کابل که در رابطه با وابستگی قبیله‌ای‌شان آزادی شدند. در یک مورد نماینده قبیله به شورای طالبان در کویت شکایت برد. ما هم از همان زمان گزارشگران خود را از افراد قبایل با نفوذ انتخاب می‌کنیم."

این نقاط سیاه کسب معلومات تا ولایات سرحد پاکستان گسترش یافته‌اند. طالبان در میان مناطق قبایلی و از وزیرستان تا باجور، بذر اربعاب و ترور را در میان حرفه‌کاران رسانه‌ها کاشته‌اند. در آن‌سو نیز ارتش پاکستان در اختطاف و دستگیری و حمله به خبرنگاران، شاهدان رابطه میان نیروهای امنیتی و طالبان و یا دخالت ارتش امریکا در جنگ علیه جهادگران از خود تردید نشان نمی‌دهد. برای مثال سرویس امنیتی پاکستان به روزنامه نگاران هشدار داده است که در منطقه پیشین در نزدیکی کویت که محل ده‌ها انتحارگر جهادی بوده است گزارش تهیه نکنند.

### در باره ولایات خطرناک گزارشگران بدون مرز توصیه می‌کند:

- ۱- به رهبران طالبان: به اختطاف و تهدید و حمله علیه روزنامه نگاران پایان دهند.
- ۲- به مقامات مسئول: توجه بیشتری به سرنوشت گزارشگران در ولایات به ویژه در جنوب و شرق داشته باشند.
- ۳- به نیروهای ائتلاف بین المللی: امکان دسترسی آسانتر به مناطق تحت نفوذ طالبان را فراهم کنند

به صورت بی‌طرف و مستقل بیانیه‌های ما را منتشر کنند." در برخی از مناطق طالبان و گروه‌های تبهکار از شبنامه برای ایجاد دهشت در میان افراد ساکن استفاده می‌کنند. یکی از خبرنگاران خوست یک نمونه از این نامه‌ها را که به در خانه‌اش زده بودند به گزارشگران بدون مرز نشان داد. در این اخطار یکی از فرماندهان " امارات اسلامی" به وی هشدار داده بود که مظنون به "جاسوسی" است.



در جنوب قتل گزارشگر رادیو بی بی سی و آژانس پژواک **عبدالصمد روحانی** در تاریخ ۱۹ جوزا (خرداد) در هدیره بولان در نزدیکی لشکرگاه پیکر همه روزنامه نگاران این منطقه را به لرزه در آورد. این گزارشگر شکنجه و سپس پیکرش آماج گلوله شده بود. اگر چه وزیر داخله فوراً مسئولیت قتل عبدالصمد روحانی را بر دوش طالبان انداخت اما اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی گزارشگران بدون مرز تأیید کننده آن است که این قتل از سوی مافیای مواد مخدر و یا مسئولان فساد محلی انجام گرفته است.

**دانش کروخیل**، رئیس آژانس خبری پژواک در این باره معتقد است "خبرنگاران هلمند کار خود را از سر گرفتند اما این قتل رویه خطرناکی را بنا نهاد. فوریت دارد که حقیقت روشن شود و ما بدانیم چه کسی عبدالصمد روحانی را به قتل رساند."

در طی ماه‌های گذشته مخالفان مسلح فشار بر روی رسانه‌ها را افزایش داده‌اند. بنا بر ارزیابی گزارشگران بدون مرز دست‌کم ۱۰ خبرنگار یا از کار خود دست کشیده و یا از ترس انتقام‌گیری مجبور به فرار از جنوب کشور شده‌اند. مدیر یکی از رادیوهای مستقل در جنوب در این باره به گزارشگران بدون مرز اعلام کرد " طالبان استراتژی پیشرفته‌ای در

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

شمال نفوذ داریم. حضور ما برای آنها آزار دهنده است."

بنا بر گفته های **سیما ثمر** رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر " زنان روزنامه نگار آسیب پذیرتر هستند چرا که هنوز در کشور هستند کسانی که معتقدند زنان مشکل آفرینند، این یک نوع عادت و سنت است. متأسفانه زنان روزنامه نگار بیشتر مورد ضربه قرار می گیرند." در گزارش خود در باره افغانستان **صدف ارشاد** از سازمان سفما ( انجمن آزاد ژورنالستان آسیای جنوبی ) تاکید دارد " طالبان، جنگ سالاران و بنیادگرایان مذهبی از مذهب و ممنوعیت های مذهبی برای ایجاد وحشت در میان زنان روزنامه نگار استفاده و آنها را وادار به ترک کار خود می کنند."

**حسام الدین شمس** یکی از روزنامه نگاران هرات خشونت مسئولان محلی علیه روزنامه نگاران زن را تقبیح می کند " آنها نمی توانند رابطه ای عادی با مطبوعات برقرار کنند. به ویژه وقتی با یک زن روزنامه نگار سروکار دارند. اگر روزنامه نگاران زن خواهان دسترسی به معلومات شوند با آنها رفتار بدتری دارند تا یک روزنامه نگاران مرد. در اثر همین فشارها زنان کمتر به روزنامه نگار شدن علاقه نشان می دهند و بیشتر به کارهای اداری مشغول می شوند. چند سال پیش ۷۰ درصد دانشجویان هرات را زنان تشکیل می دادند، حالا کمتر از ۳۰ درصد هستند." وزارت اطلاعات و فرهنگ به شکل فعالی در مورد نیلوفر حبیبی خبرنگار جوان شبکه تلویزیون ملی هرات اقدام کرد. وی که هم اکنون در فرانسه زندگی می کند با کارد مورد حمله قرار گرفت و تهدید به مرگ شده بود.

یکی از خبرنگاران آژانس پژواک در این باره می گوید: "دسترسی به مسئولان رسمی برای روزنامه نگاران زن دشوارتر است. در مطبوعات گزارشات خوب در باره خشونت علیه زنان کم است. مردان بلد نیستند در این باره به خوبی زنان کار کنند." **عظیم نوربخش** مجری شناخته شده تلویزیون دولتی تأیید می کند که فضای آزاد برای

۴ - به انجمن های ژورنالیستان افغانستان و سازمان های بین المللی برای پیدا کردن راه حل هایی در حمایت از خبرنگاران با پرهیز از امکان خروج کشور، مثلاً بنا کردن "خانه حفاظتی" در شمال کشور و یا در کشورهای جنوب آسیای.

### خبرنگاران زن به سکوت وادار شدند

مصونیت از پیگرد قضایی حاکم بر پرونده های قتل و حمله به خبرنگاران افغانی غیر قابل قبول است. ناتوانی پلیس و دستگاه قضایی در دستگیری قاتلان زکیه زکی مدیر رادیو صدای صلح، موج خشونت بیشتری را در مورد زنان روزنامه نگار دامن زد. از زمان قتل زکیه زکی در ۱۵ جوزا (خرداد) ۱۳۸۶ ده ها روزنامه نگار زن مورد حمله و تهدید قرار گرفته و به سکوت وادار شده اند.

وزارت امور داخله به جای پیشبرد تحقیقات در باره قاتلان، در ماه سنبله (شهریور) سال جاری عبدالاحد رنجبر همسر زکیه زکی را احضار کرده است. وی در این باره به گزارشگران بدون مرز می گوید: " با توجه اینکه سازمان های بین المللی به شما مشکوک هستند به من تلفن و با من مثل یک مظنون رفتار کردند. در اصل پرونده در بن بست قرار گرفته است. اگر پلیس بشکل جدی کار کند سرخ هایی در سطح محلی و ملی پیدا خواهد کرد. اما دشمنان زکیه زکی در بالاترین نهادهای دولتی دست دارند. آنها ترجیح می دهند که مرا متهم کنند تا به تحقیقات ادامه دهند." رئیس کنونی بنیاد زکیه زکی در باره تحقیقات و دستگیری های ماه های اول بعد از قتل همسرش می گوید " پلیس چندین نفر را دستگیر کرد ولی بعد از پنجاه روز دادگاه آنها را به دلیل عدم مدرک کافی آزاد کرد. آنها بی گناه بودند. دستگیری آنها برای تصفیه حساب با آنها بود و اینکه بگویند کاری کرده اند. شکایت ما به جایی نرسید سارنوال (دادستان) از ما مدرک واقعی می خواهد چیزی که پلیس نتوانست پیدا کند. رادیو صدای صلح همچنان به کار خود ادامه می دهد " جنگ سالاران می خواستند صدای ما را خفه کنند چرا که ما در مناطقی مثل پروان و کاپیسا و پنجشیر در

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

به جمهوری اسلامی تبدیل شد. قانون اساسی اجرای قوانین شرعی را منع نکرده است. چنانکه قانونگذاران در ماده های ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی عملاً راه را در استفاده از " احکام فقه حنفی" وقتی در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد" باز گذاشته‌اند.

در همان سال کنفرانسی بین‌المللی در باره آزادی مطبوعات توصیه کرده بود که با قوانین اساسی از سواستفاده از قوانین شرعی علیه روزنامه نگاران جلوگیری شود. اما در این باره هیچ اقدامی انجام نشد. برعکس فشارها بر روزنامه‌نگاران که آزادانه در این باره ابراز نظر می کنند بیشتر شد. گزارشگران بدون مرز در این باره سواستفاده سیاسی از اتهام "کفر گوئی" را که آزادی بیان را در خطر قرار داده است تأیید می کند.

مسئول یکی از سازمان‌های غیر دولتی حمایت از رسانه‌ها بر این باور است که " همه روزنامه‌نگاران به نوعی در باره مذهب خودسانسوری می‌کنند، چرا که در همه سطوح حکومت دفاع از مذهب در اولویت قرار دارد و وقتی که کسی در باره آن حرفی می‌زند فشار از همه سو بر او وارد می‌شود. "

بدون شک افغانستان کشوری اسلامی است با مردمانی شیعه و سنی و اکثریت این مردم دارای اعتقادات مذهبی هستند. اما در طی چند سال اخیر روشنفکران و روزنامه نگاران، ویلاگ‌نویسان و یا شهروندان ساده کشور که سعی کرده اند، فضای برای بحث و گفتگو در این باره باز کنند، به سرنوشت بدی دچار شده اند. ده ها نفر از آنها دستگیر و تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. یا زندانی شده‌اند و یا مجبور به ترک کشور شده‌اند. این صدهای انتقادی البته آنگونه که دولت می‌خواهد نشان دهد در جامعه منزوی نیستند. در سال جاری صدها روزنامه‌نگار و نویسنده و شهروندان افغانی در پانزده ولایات کشور در حمایت از پرویز کامبخش تظاهرات کردند.

این دانشجوی رشته روزنامه نگاری از تاریخ ۵ عقرب (آبان) ۱۳۸۶ برای بارگذاری مقاله‌ای در باره

روزنامه نگاران زن کمتر است. " بسیاری از آنها حال از اسم مستعار برای مقالات خود استفاده می‌کنند. در بخش عمده ای از کشور هنوز در رسانه‌ها زنان کار نمی‌کنند. فشارها بر روی زنانی که در تلویزیون کار می‌کنند هیچ‌وقت کم نشده است." و یکی از مدیران رادیوهای مستقل در این باره معتقد است که " شورای علما باید موضعی روشن در باره حضور زنان در رادیو و تلویزیون اعلام کند"

در هرات بخشی از فشارها بر خبرنگاران زن از طریق کشور همسایه ایران وارد می شود. یکی از خبرنگاران زن در هرات می‌گوید " ایرانی ها از تاثیر تلویزیون افغانستان که در آن زنان به آن شکل که در ایران مرسوم است حجاب اجباری ندارند، هراس دارند. کنسولگری ایران به خودش اجازه می‌دهد که روزنامه نگاران را تهدید کند. ضمن آنکه برای تبلیغ نظرات خود به ویژه در باره زنان دست کم به سه نشریه هم کمک مالی می کنند."

سیما ثمر به مبارزه علیه مصونیت از پیگرد قضایی دعوت می کند. " عدم مسئولیت در دستگاه قضایی فرهنگ مصونیت را دائمی می‌کند و این امر عدم اعتماد به دولت را به وجود می آورد. چه در رابطه با جنایت انجام شده در گذشته چه جنایات علیه روزنامه نگاران و به ویژه در باره خشونت های جنسی "

### در باره خشونت علیه روزنامه نگاران زن گزارشگران بدون مرز توصیه می کند :

- ۱- به وزارت داخله: اقدامات لازم برای حمایت از روزنامه نگاران تهدید شده بکار گرفته شود .
- ۲- به وزارت اطلاعات و فرهنگ : کمپینی در نزد مسئولان ملی و محلی برای حساس کردن آنها به مشکلات زنان روزنامه نگار به راه انداخته شود .
- ۳ - به مسئولان مذهبی : از حقوق زنان روزنامه نگار و حق کار به مانند مردان از جمله در تلویزیون دفاع کنند.

### آزادی بیان، به جز برای مسائل مذهبی

روزنامه‌نگاران افغان تا زمانی که به تنها مسئله تابو در کشور یعنی اسلام، انتقاد نکنند، آزادی بیان دارند. با اراده‌ی مجاهدین این کشور در سال ۱۳۸۱

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

بنا بر گزارش طب عدلی شکنجه شده بود تا به مجرم بودنش اعتراف کند. " در بعدازظهر ۲ دلو (بهمن) ۱۳۸۶ مرا به محکمه ابتدایی مزارشریف بردند. محکمه نبود دادگاه صحرایی بود. خواستم از خودم دفاع کنم اجازه ندادند. در اصل فقط مرا بردند تا بگویند من به اعدام محکوم شده‌ام"

در جریان دادگاه استیناف که از ماه جوزا (خرداد) تا میزان (مهر) به طول انجامید هیچ کدام از شاهدان نتوانستند اثبات کنند که از دست پرویز مدرک جرم را گرفته‌اند. تنها شاهد و همکلاس این روزنامه نگار جوان فردی بنام احمد اعلام کرد در دادگاه ابتدایی مزار شریف نیز در اثر اجبار پلیس شکایت کرده است.

در ماه حوت سال جاری نیز ستره محکمه ( دادگاه عالی) نیز بدون شنیدن ادله وکیل متهم، همین حکم سنگین را تأیید کرد. وکیل پرویز کامبخش در این باره متعقد است که راه‌های مختلفی برای آزادی موکلش وجود دارد. " اول آنکه مهلت سه ماهه میان دادگاه اول و دادگاه استیناف رعایت نشد. " یکی از نزدیکان روزنامه نگار جوان یادآوری می کند که " شکایت و دخالت مسئولان سیاسی و مذهبی بر پایه یک مضحکه قضایی بنا شده است. در اصل شورای علمای مزار شریف که اولین فتوا را صادر کرده است، مرجع و مبنای فتوایش را مشخص نکرده است."



رئیس جمهور حامد کرزی نیز بارها از سوی چندین دولت خارجی در باره وضعیت این روزنامه نگار جوان مورد سوال قرار گرفته است و در پایان سال ۲۰۰۸ به مسئولان چند کشور اتحادیه اروپا اعلام کرده است که " نگران نباشید این مرد جوان آزاد خواهد شد " با این حال علمای مذهبی هر بار خواهان مجازات سنگین برای این روزنامه نگار شده اند.

وضعیت زنان در اسلام در بازداشت بسر می‌برد، وی در تاریخ ۳۰ میزان (مهر) از سوی دادگاه استیناف کابل به ۲۰ سال زندان محکوم شد. قاضی این دادگاه عبدالاسلام قاضی زاده یکی از ملاهای معروف است و معتقد است پرویز کامبخش این مقاله را نوشته است. در حالی که نویسنده واقعی این مقاله یک وبلاگ نویس ایرانی بود که مسئولیت نوشتن را علنا بر عهده گرفته است.

قاضی دادگاه به خبرنگار رادیو بین المللی فرانسه گفته است. " هر کس به قران اهانت کند باید مجازات شود، اما چون پرویز گفته است مسلمان مومنی است در باره او حکم مرگ جایز نیست."

با این حال این جوان روزنامه نگار که گزارشگران بدون مرز با او در توقف خانه موقت کابل دیدار کرد. می گوید " من از اول تا امروز گفته‌ام که بی گناه هستم. بنا بر قانون اساسی من هیچ جرمی مرتکب نشده‌ام. هر دو دادگاه که مرا محاکمه کرده اند نتوانسته‌اند جرم مرا ثابت کنند. مرا با اعمال فشار برخی محافل و نه با استناد به قانون محکوم کرده اند. (...) برادرم که در کابل است راحت تر به دیدنم می‌آید. وضعیت من در اینجا از زندان پل‌جرخی که بودم بهتر است. من در آنجا دوران بدی را گذراندم. اینجا با هشت زندانی دیگر هم اتاق هستم. معمولا دسترسی به تلفن دارم و در اتاق تلویزیون هم داریم." علیرغم همکاری مسئولان قضایی برای ملاقات با این روزنامه‌نگار اما مقامات زندان اجازه ملاقات خصوصی و بدون حضور مأمور زندان را به گزارشگران بدون مرز ندادند.

کامبخش همچنان زده از حمایت بین‌المللی از همه کسانی که می‌خواهند او مجازات شود خواست تا " یکبار دیگر پرونده او را با دقت مطالعه کنند تا به حقیقت پی ببرند."

با آنکه مقامات رسمی کشور به گزارشگران بدون مرز اعلام کردند که این پرونده ربطی به آزادی مطبوعات ندارد اما محکمه ابتدایی و دادگاه استیناف پر از نقض فاحش قانون بود. پرویز کامبخش

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

کردند. چند ساعت بعد شش تن از این روزنامه نگاران آزاد اما مسئول بخش خبر روزنامه در بازداشت نگاه داشته شد. **نظری پریانی** مسئول بخش خبر روزنامه پیمان در تاریخ ۲۱ دلو و پس از ۸ روز بازداشت آزاد شد. وی به گزارشگران بدون مرز گفت " من برخلاف همه قوانین و استانداردهای ملی و بین‌المللی بازداشت شدم (... ) آنها گفتند که به دستور رئیس جمهور و لوی سارانول ( دادستان کل ) آمده اند. من با دستور رئیس جمهور و سارانول آزاد شدم اما پرونده همچنان مفتوح است و در اصل من به شکل موقت آزاد شدم."

نمایندگان مشرانو جرگه برای استفاده سیاسی در ماه دلو ( بهمن ) به ماجرای روزنامه پرداختند. " مولوی ارسلا رحمانی رئیس کمیسیون امور فرهنگی سنا از ستره محکمه خواهان تعیین جزا به دست اندرکاران این روزنامه شد. صبغت الله مجددی رئیس مشرانو جرگه نیز گفت که روزنامه پیمان نمیتواند که در مورد نشر این مطلب خود را بی مسوولیت نشان دهد؛ زیرا مسوولین روزنامه ، مضامین که چاپ میشود باید نخست آنرا دقیق مطالعه و مسوولیت به دوش آنها است. "

در پی این حوادث نظری پریانی به گزارشگران بدون مرز اعلام کرد که روزنامه نگاران پیمان کار خود را از دست دادند. و تعدادی از آنها پیام های تهدید آمیز دریافت کرده اند.

گزارشگران بدون مرز در دیدار با مسئولان افغانستان خواهان توجه به وضعیت روزنامه نگار سابق غوث زلمی شد که در دادگاه ابتدایی در ماه سنبله و سپس در ماه دلو در دادگاه استیناف به بیست سال زندان محکوم شده است. **احمد غوث زلمی** در تاریخ ۱۳ عقرب سال ۱۳۸۶ هنگام ورود به پاکستان در منطقه سرحدی تورخم، توسط مسوولین امنیتی افغان دستگیر شد که همچنان در زندان بسر می برد. غوث زلمی در پی اعتراض روحانیون محافظه کار به " انتشار قرآن به زبان دری بدون متن عربی آن " و همچنین " تحریف در برخی از آیات در این ترجمه " متهم شده است. برخی از بنیادگرایان اسلامی

به گفته یکی از دیپلمات های اروپایی " مورد پرویز کامبخش نمونه ای از سیاسی شدن قوانین اسلامی است. قضات معمولاً روحانیون هستند و نه متخصصان حقوقی و به این عنوان آنها راحت تر تحت تاثیر مقامات مذهبی قرار می گیرند تا ادله حقوقی وکلای مدافع " وزیر عدلیه تاکید می کند که " حکم سنگین است اما هنوز راه حل دیگری هم هست. " دیپلمات پیش گفته که روند محاکم را دنبال کرده است توضیح می دهد " سارانوال ( دادستان ) و قضات نه در دادگاه ابتدایی و نه در دادگاه استیناف نتوانستند جرم را ثابت کنند و هر دو دادگاه به شکل تکان دهنده ای بر از نقض قانون بودند با این حال کامبخش به بیست سال زندان محکوم شد. "

سخنگوی شورای علما در این باره معتقد است " کامبخش به قرآن توهین کرده بود می بایست با حکم سنگینی مجازات می شد تا دیگر کسی جرات نکند این کار را انجام دهد. (... ) ما خواهان مجازاتی سنگین بودیم اما خواهان حکم اعدام نشده بودیم. " و گویا دادگاه استیناف به خواست شورای علما توجه کرده است.

پیش از پرویز کامبخش، **علی محقق نسب** یک روحانی و مدیر مسئول روزنامه حقوق زن در سال ۱۳۸۴ برای انتشار مقاله ای در باره مقام زن در اسلام زندانی شده بود.

و در آخرین مورد در ارتباط با مذهب در ماه جدی ( دی ) سال جاری روزنامه **پیمان** مجبور به تعطیل کردن فعالیت خود شد. تحت فشار محافل محافظه کار و با طرح شکایت برای " کفر گویی " مسئولان روزنامه تصمیم گرفتند روزنامه را تعطیل کنند. روزنامه پیمان یک مقاله بارگذاری شده از روی اینترنت را به علت تشابه اسمی با نوشته ای یکی از روزنامه نگاران به اشتباه منتشر کرد. پیام در شماره روز بعد با انتشار مطلبی اشتباه خود را یادآور و از خوانندگان عذرخواهی کرد. " در تاریخ ۲۴ جدی ماموران پلیس به دفتر روزنامه پیمان در کابل مراجعه و هفت روزنامه نگار حاضر در محل از جمله نظری پریانی را برای انتشار مقاله " کفر آمیز " بازداشت

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

اما بدون دخالت ما امروز شاهد نشان دادن زنان لخت بودیم."

از آن سو نیز رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر به سرپال‌های هندی " مبتذل " که شان زنان را پائین می آورد، اعتراض دارد. " در هر حال تلویزیون های افغان صحنه های بحث برانگیز را بنا بر معیارهای مقامات رسمی سانسور می‌کنند."

در برابر پرسش گزارشگران بدون مرز در این باره وزیر اطلاعات و فرهنگ با اعلام دنبال کردن پرونده گفت: " اگر ما کاری انجام ندهیم این ماجرا آب به آسیاب طالبان می ریزد که تبلیغ می کنند در کابل کفار در قدرت هستند." وزیر عدلیه در این باره اعلام کرد که " قانون اساسی آزادی بیان را تضمین می‌کند اما خط قرمزی روشنی نیز هست که نباید از آن گذشت و آن اسلام است. فراموش نکنید که مذهب انگیزه اصلی مجاهدین بود." و سنخگوی شورای علما با رد تاثیر گذاری بر دولت از آنها می‌گوید " ما در بیانیه های خود از دولت و دستگاه قضایی می‌خواهیم که به وظیفه‌شان عمل کنند. رابطه ما با رئیس جمهور بسیار خوب است. ما هر دو به هم احتیاج داریم. رئیس جمهور با توجه به وضعیت کشور و حضور نیروهای خارجی و طالبان که حکومت را به زیر پا گذاشتن معیار های دینی متهم می‌کنند، به حمایت معنوی ما نیاز دارد و ما هم به او نیاز داریم چرا که قدرت اجرایی نداریم."

### در باره نقض آزادی بیان به نام احترام به مذهب گزارشگران بدون مرز توصیه می کند :

- ۱- به مقامات رسمی : آزادی فوری پرویز کامبخش که جرمی مرتکب نشده است .
- ۲- به ستره محکمه ( دیوان عالی) بررسی دقیق و با گذشت پرونده احمد غوث زلمی.
- ۳- ببه ستره محکمه ( دیوان عالی) : استفاده از ماده ۱۳۰ و ۱۳۱ را در جرائم عقیدتی محکوم کند.
- ۴- به مسئولان مذهبی و سیاسی : به استفاده سیاسی از از جرم "کفرگویی" پایان دهند.
- ۵- به جامعه جهانی : از تلاش سازمان های مدافع آزادی بیان و از جمله آزادی مباحث مذهبی حمایت کنند.

برای وی خواهان مجازاتی "عبرت آور" شدند. غوث زلمی روزنامه نگار پرسابقه در سالهای دهه ۱۳۶۰ خبرنگار مشهور تلویزیون افغانستان بود. مجری برنامه معروف " صدای مردم" بود که به بینندگان امکان سخن گفتن می داد. پس از سقوط حکومت کمونیستی وی به‌عنوان وابسته فرهنگی سفارت افغانستان در هلند مشغول بکار شد. بعد از سالها تبعید به‌دعوت حامد کرزی برای کار در رادیو تلویزیون ملی به افغانستان بازگشت. غوث زلمی رئیس اتحادیه ملی روزنامه نگاران بود و مدتی نیز سمت سخنگوی دادستان عمومی (لوی سارنوالی) را نیز بر عهده داشت. یکی از وکلای افغانی در این باره به گزارشگران بدون مرز اعلام کرد که دستگیری غوث زلمی غیر قانونی بوده است چرا که به دستور پارلمان دستگیر شده است.

در ماه حمل ( فروردین) به نام مبارزه با " برنامه های غیر اسلامی" وزیر اطلاعات و فرهنگ با کمک شورای علما تلاش کردند تا پخش سرپال های هندی از تلویزیون‌های افغانستان را محدود کنند. عبدالکریم خرم وزیر اطلاعات و فرهنگ به گزارشگران بدون مرز گفت " در برابر این سرپال های بی کیفیت جوانان افغان مثل معتادان می مانند که نمی توانند ترک کنند. این مسئولیت ما است که با این اعتیاد فرهنگی که هنر را تخریب می‌کند مبارزه کنیم."

صحنه‌ی رقص پسران با دختران در برنامه‌ی توزیع جوایز به برندگان هنرمندان سینما که از تلویزیون طلوع پخش شد، آغازگر این حملات شد. دولت اعلام کرد که قصد تعطیل کردن این سرپال ها را ندارد. اما برخی از شبکه ها برای خاموش کردن آتش خشم محافظه کاران به توافقی تن دادند. شبکه طلوع یکسری مسابقات قرائت قران را پخش کرد که وزیر و مردم و شورای علما را خرسند کرد. سخنگوی شورای علما افضل معنوی می‌گوید " ما در یک نبرد پیروز شدیم ولی جنگ ادامه دارد و هنوز در دستگاه قضایی شکایات در دست بررسی است.

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

ولسی جرگه (پارلمان) به شکل قانونی آنرا تصویب کند و روزنامه رسمی آن را منتشر کند، من مجبور به اجرای آن هستم. برای رفع مشکل کافی است که ولسی جرگه به بازشماری آرای اکثریت که دو سوم به اضافه یک نمایندگان است اقدام کند."

مسئولان انجمن های ژورنالیستان نظر دیگری دارند. فهیم دشتی سخنگوی اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان با تاسف از عدم حمایت جامعه جهانی در این باره می گوید: "قانون از سوی دو سوم نمایندگان ولسی جرگه البته با رای علنی و بلند کردن دست تصویب شد. این نمایندگان مردم بودند که حرف خود را زدند و وزیر حق ندارد که با آن مخالفت کند. دولت قانون را دزدیده است."

قانون مطبوعات امروز قربانی عدم همکاری ولسی جرگه و دولت شده است. وزیر عدلیه در این باره به گزارشگران بدون مرز گفت: "روزنامه نگاران نباید نگران باشند راه حلی پیدا می کنیم."

وزیر اطلاعات و فرهنگ سعی دارد از تنش بکاهد " ما از نظر حقوقی در وضعیت خلا قانونی نیستیم. قانون قبلی وجود دارد که قانون بدی هم نیست. (...) ما همچنین در برابر لطمات وارده در اثر خصوصی سازی بی رویه در بخش رسانه های مسئول هستیم. اغلب این رسانه های خصوصی موازین اخلاقی را رعایت نمی کنند. به هر کس بدون دلیل تهمت می زنند. به من هم توهین کرده اند."

سیما ثمر رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در این باره معتقد است " بهترین راه برای حفاظت از رسانه ها اجرای قانون است، امری که متأسفانه در کشور انجام نمی شود. رسانه هایی که تحت کنترل دولت نیستند در معرض تهدید و ارباب و خودسانسوری قرار دارند. " به نظر ایشان وزیر اطلاعات و فرهنگ که مورد اتهام عدم تمديد قانون است " باید بگوید این قوانین مورد قبول همگان هستند و مورد نیاز دمکراتیزاسیون کشور."

### سو استفاده از ماده ۱۳۰ قانون اساسی

بنا بر قانون اساسی افغانستان جمهوری اسلامی است. اما مجاهدین پس از سقوط طالبان موفق شدند رجوع به قوانین شرعی را که تا آن زمان تنها قانون حاکم بود در قانون اساسی وارد کنند.

محاکمات اخیر برای "کفرگویی" با مراجعه به ماده ۱۰۳ قانون اساسی انجام گرفته است. افضل نورستانی حقوقدان برجسته و وکیل مدافع پرویز کامبخش، چرایی و چگونگی استفاده از این ماده قانون اساسی را چنین توضیح می دهد " مهم است بدانیم که چگونه دو دادگاه ( ابتدایی و استیناف) توانستند موکل مرا بدون استناد به جرمی مشهود در قوانین جزایی افغانستان، محکوم کنند. قضات از ماده ۱۳۰ قانون اساسی استفاده کردند در این ماده گفته شده است " محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند. هرگاه برای قضیه پی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین، حکمی موجودی نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند." اما در همین قانون اساسی و در اصل ۲۷ تا کید شده است که " هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

" اتهامی که به پرویز کامبخش زده شده است از نظر قانون جرم محسوب نمی شود. بارگزاری یک مقاله جرمی نافذ در قانون نیست. از کجا قضات برای این جرم نانوشتن مجازات بیست سال زندان در نظر گرفته اند بر من معلوم نیست."

### قانون مطبوعات گرفتار میان دولت و پارلمان

بسیاری از روزنامه نگاران ناخرسندی خود را از بلوکه شدن قانون مطبوعات از سوی دولت ابراز کردند. یکی از روزنامه نگاران اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان در این باره می گوید " همه ی تلاش های انجام شده در این باره از سوی وزیری که نمی خواهد قدرت تصمیم گیری اش در مورد رسانه های دولتی و کمیسیون نظارت بر مطبوعات کاهش پیدا کند، یک شبه جارو شد. قانون مطبوعات کامل نیست اما بالاخره چارچوبی برای کار ارائه می دهد."

وزیر اطلاعات و فرهنگ به پرسش هیئت گزارشگران بدون مرز در این باره چنین پاسخ داد " این قانون پر از تناقض است. و تصور می کنم اجرایی نباشد. اما اگر



گزارش افغانستان جوت ۱۲۸۷

در افغانستان در حله اول کمیسیون بررسی از تخطی رسانه‌ها که ریاست آن با وزیر اطلاعات و فرهنگ است و نمایندگان رسانه‌ها و پارلمان نیز در آن حضور دارند، باید در باره امکان خطای رسانه‌ها نظر دهد. اما در چندین مورد به ویژه در ارتباط با مذهب سارنوال (دادستان) بدون منتظر ماندن نظر کمیسیون خود اقدام به بازرسی و یا دستگیری کرده است.

### در باره بلوکه شدن قانون مطبوعات گزارشگران بدون مرز توصیه می کند :

- ۱- به دولت : هر چه زودتر قانون به اجرا گذاشته شود .
- ۲- به وزیر عدلیه و ولسی جرگه: مقدمات تهیه قانون برای خارج کردن خطاهای مطبوعاتی از جرایم جزایی.
- ۳- به وزیر اطلاعات و فرهنگ : فراهم کردن استقلال خط مش رسانه های دولتی .

### درگیری سیاسی رسانه های مخالف

یکی از روزنامه‌نگاران عضو اتحادیه ملی خبرنگاران در باره نزاع چند ماه پیش شبکه تمدن ( نزدیک به رهبر شیعه) با تلویزیون امروز و شمشاد در ماه میزان (مهر) می‌گوید " در دو قدمی یک شورش و درگیری میان گروه هوادار دو شبکه تلویزیونی بودیم." تظاهراتی در برابر دفتر تلویزیون شمشاد برگزار و یکی از مسئولان شبکه هم از یک سو قصد خوشبختانه جان سالم بدر برد. بدور از خود رسانه در اصل این حامیان مالی این شبکه‌ها یعنی ایران و پاکستان هستند که برای کسب نفوذ بیشتر درگیر می شوند. یکی از خبرنگاران تمدن از دشواری‌های رابطه با صاحبان رسانه‌ها می‌گوید " خبرنگاران به زندگی کردن نیاز دارند و مجبورند دستورات صاحبان رسانه‌ها را گاه بر خلاف میل خود بپذیرند."

رسانه های مستقل در افغانستان وجود دارند اما در اقلیت هستند. فهیم دشتی مدیر هفته نامه کابل ویکلی در این باره می‌گوید: " خیلی ساده است شما به روزنامه‌ها نگاه کنید آنها که تبلیغات ندارند مخارجشان از طریق احزاب سیاسی و یا یک کشور خارجی تامین می‌شود." این هفته نامه در تلاشی سخت برای حفظ استقلال مالی خود است.

تاخیر در اجرای قانون بیشتر مربوط به موادی است که استقلال خط و مش رسانه‌های دولتی را تعیین کرده است. علیرغم وعده داده شده تلویزیون و رادیو و مطبوعات دولتی همچنان تحت مهار دولت و وزارت اطلاعات و فرهنگ و رئیس جمهور قرار دارند. در ولایات دولت کنترل شبکه‌های محلی رادیو و تلویزیون ملی را برای به خدمت گرفتن‌شان در جهت منافع خود در دست دارد. برای این رسانه‌ها کمک‌های جهانی که قرار بود امکانی باشند برای بالا بردن کیفیت برنامه‌ها و تامین آزادی نسبی است معمولاً تضمین کننده این امر نیستند. نگرانی این است که در آستانه انتخابات کنترل بر خط و مش رسانه‌ها بیشتر شود.

هئیت گزارشگران بدون مرز در طی سفر خود نظرات انتقادی بسیاری در باره وزیر اطلاعات و فرهنگ دریافت کرد. وی متهم به منعکس‌کننده مواضع محافظه‌کارانه در جامعه شده است. یک فعال حقوق بشر در این باره می‌گوید " به جای حمایت از ژورنالیسم و آزادی مطبوعات سعی می‌کند همه چیز را بلوکه کند." در این باره عبدالکریم خرم پاسخ داد. " من برای دفاع از آزادی مطبوعات و همچنین فرهنگ و ارزش‌هایمان کار می‌کنم."

وزیر اطلاعات و فرهنگ در برخی از سخنرانی‌هایش در باره رسانه‌ها که "در پشت آزادی بیانی که از سوی جامعه جهانی تحمیل شده است، پنهان می‌شوند" سخنان درستی ایراد کرده است. در ماه قوس(آذر) سال جاری عبدالکریم خرم در برابر پارلمان در باره سریال‌های هندی گفت: " چندین بار نمایندگان جامعه جهانی در قبال ارسال تعدادی دوسیه از بعضی رسانه در دادستانی کل و محاکم تحت بررسی دخالت کردند اما من موفق شدم. (..). ما تحت فشار نیروهای داخلی و خارجی کار می‌کنیم برخی از مسئولان رسانه‌ها با فرزندانشان در خارج زندگی می‌کنند اما در کشور برنامه‌های غیر اخلاقی نشر می‌کنند."

گزارش افغانستان حوت ۱۲۸۷

وی به گزارشگران بدون مرز می‌گوید " من معمولا برخی از تلویزیون‌ها را نگاه نمی‌کنم و تعدادی از روزنامه‌ها را نمی‌خوانم، وقت تلف کردن است." وزیر اطلاعات و فرهنگ نیز می‌گوید " چون قانون در باره احزاب سیاسی کمک خارجی را ممنوع کرده است، رسانه‌ها وسیله‌ای هستند برای قدرت‌های خارجی که نیروهای تحت حمایت خود را تامین کنند."

بسیاری از خبرنگاران افغان بر مشکلات مالی تاکید دارند. اکرام شینواری خبرنگار صدای امریکا می‌گوید " به جز اقلیتی که برای رسانه‌های خارجی کار می‌کنند، اکثریت خبرنگاران افغانی قراردادی امضا نکرده‌اند، حقوق‌شان بسیار کم و در وضعیت مالی بدی زندگی می‌کنند. این امر کمکی به افزایش استقلال تحریریه‌ها نمی‌کند"



### در باره استفاده جانبدارانه از رسانه‌ها گزارشگران بدون مرز توصیه می‌کند :

- ۱- به صاحبان رسانه‌ها : باید دیوار عبور ناپذیری میان تحریریه و سهامداران کشیده شود .
- ۲- به صاحبان رسانه‌ها : وضعیت خبرنگاران حق التحریری و کارمندان خود را بهبود بخشند اینشرطی ضروری برای افزایش استقلال آنهاست .
- ۳- به انجمن‌های ژورنالیستان : اتحاد بیشتر برای دفاع بهتر از آزادی مطبوعات و توافق بر منشور حرفه و اخلاقی.
- ۴- به نهادهای رسمی : تلاش برای تشکیل شورای مستقل رسانه‌ها با شرکت حرفه‌کاران رسانه‌ها و جامعه مدنی برای فراهم کردن خودگردانی .

خبرنگار یکی از تلویزیون‌های دولتی می‌پرسد " در کدام کشور جهان یک کشور همسایه می‌تواند از سه شبکه تلویزیونی حمایت مالی کند؟ نفوذ ایران باورنکردنی است اما در مورد پاکستان و امریکا هم این امر صادق است" معاون رئیس جمهور کریم خلیلی، رئیس جمهور سابق برهان‌الدین ربانی، جنگ‌سالاران سابق رشید دوستم، و نبی‌اله کابلی، رادر رئیس جمهور حامد کرزی، آیت‌اله محسنی همه برای تبلیغ مواضع سیاسی خود در تلویزیون و یا روزنامه سرمایه گذاری کرده‌اند.

**مجید خلوتگر** از سازمان اوپن سوسیاتی معتقد است " رسانه‌های بیشتری به وجود آمده‌اند اما کیفیت کار حرفه‌ای تنزل پیدا کرده است. مشخص است که هر کدام دارای برنامه‌های مذهبی یا سیاسی هستند که از سوی یک کشور همسایه دیکته می‌شود." باری سلام از مسئولان رسانه صبح به خیر افغانستان می‌گوید : " قومی و سیاسی شدن رسانه‌ها ، مطبوعات مستقل را در موضع دشواری قرار می‌دهد که همه تلاش‌های ما ناپیدا می‌مانند"

اسماعیل سادات رئیس بخش فارسی و پشتو رادیو بی بی سی بر این باور است که " خبرنگاران مجبورند به خدمت منافع جناح‌های مختلف درآیند. چرا که سیستم بر پایه فساد و تبعیض و روابط شخصی بنا شده است. ما در دوران سختی از ژورنالیسم افغانستان بسر می‌بریم. با جنگ داخلی که هر روز شدت می‌گیرد و طبعا صاحبان رسانه‌ها تفرقه به نفع‌شان است." رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز متاسف است که " تفرقه در میان روزنامه‌نگاران آنها را در موضع ضعیفی قرار داده است." و اضافه می‌کند که " دست کم آنها برای دفاع از آزادی بیان باید متحد شوند."

سیاسی شدن رسانه‌ها عاملی برای انتقاد مقامات رسمی از آنها است. وزیر عدلیه بر " نبود شفافیت در تامین منابع مالی برخی رسانه‌ها" تاکید می‌کند و در باره نازل بودن کیفیت مطبوعات.

گزارش افغانستان حوت ۱۳۸۷

**مارک ویندسور** سخنگوی نیروهای ائتلاف به گزارشگران بدون مرز می‌گوید که آنها اخبار " تصدق شده و واقعی" را منتشر می‌کنند. " ما مثل طالبان نیستیم که اطلاعات کاملاً دروغ را منتشر می‌کنند. و البته انتشار اخبار درست به زمان بیشتر نیاز دارد. اما اطلاعاتی است واقعی از عملیات انجام شده." اما سخنگوی سفارت امریکا در کابل "فریب خبرسازی طالبان" را رد می‌کند " چگونه یک خبرنگار می‌تواند دروغ های طالبان را با اطلاعات بدست آمده از سوی نیروی های ائتلاف در یک ردیف بگذارد؟ این دو هیچ ربطی به هم ندارند." کاپیتان مارک ویندسور تاکید دارد که " این به نفع ما و وظیفه ماست اطلاع رسانی کنیم و تاسف آور است که برخی از رسانه های افغانی تصور می‌کنند که ما تعداد سربازان کشته شده را در جنگ را پنهان می‌کنیم."

روزنامه نگاران افغان و خارجی از مشکلات عدیده در پوشش خبری عملیات‌های نیروهای ائتلاف و امریکایی گلايه می‌کنند. کشته شدن "اشتباهی" غیرنظامیان که گاه شدیداً مرگبار است در مرکز اعتراضات به حضور نیروهای خارجی در کشور است. بنا بر یک نظرسنجی ۷۷ درصد افغانی ها مورد سوال قرار گرفته گفته اند که حملات هوایی قابل قبول نیستند. گزارشگر نیویورک تایمز در این باره می‌گوید " عدم توان نیروهای بین‌المللی در پذیرش واقعیت تعداد قربانیان غیر نظامی آنها با اسناد مشهودی که ما می‌توانیم بدست بیاوریم یکی از دلایل شکست جامعه جهانی است." در سال ۲۰۰۷ ایساف در پی انتشار گزارشی در باره کشته شدن "اشتباهی" غیرنظامیان یک عملیات هوایی در منطقه فارا از روزنامه نیویورک تایمز شکایت کرد. یکی از گزارشگران سابق رسانه های غربی معتقد است : " در این موارد رسانه ها منتظر اطلاعات دقیق در باره کشته شدن "اشتباهی" غیرنظامیان هستند اما بدست دادن آماری واقعی و یا تلاش برای تصدیق خبر در محل امکان ناپذیر است. بین آمار طالبان با ایساف گاهی اوقات تفاوت یک به ده

دوباره مثل دوران طالبان زندگی می‌کنم



بیشتر از چهاره ماه است که **نظیفه احساس** خبرنگار برنامه پشتو زبان تلویزیون امریکا از خانه خود خارج نمی‌شود. وی به گزارشگران بدون مرز می‌گوید " من در خانه خودم مثل دوران طالبان زندانی هستم. کار خبرنگاریم را خیلی دوست دارم اما دلم نمی‌خواهد بمیریم. مجبورم خط قرمزی بر روی سال ها تحصیل و سابقه کاریم بکشم. " در اواسط ماه سنبله نظیفه احساس که برای تلویزیون امریکا گزارشات به زبان پشتو را تهیه می‌کرد و پیش از آن با یک نشریه زنانه به نام روز کار می‌کرد، مردی با تلفن همراهش تماس می‌گیرد " تو چادرت را برداشتی و با بهودی‌ها همکاری می‌کنی." وقتی نظیفه می‌پرسد کیست؟ پاسخ می‌شود" تو خوب می‌دانی ما کی هستیم" این پیام دوباره شب تکرار می‌شود. فردای آنروز همان فرد دوباره تلفن می‌کند و می‌گوید: " من یک طالب هستم و تو می‌دانی ما کی هستیم نمی‌توانی از دست ما خلاص شوی." نظیفه با شماره پلیس ۱۱۹ تماس می‌گیرد. چند روز بعد نامه ای دریافت می‌کند که در آن به وی اطلاع داده شده که شماره تلفنی که با او تماس گرفته است متعلق به یکی از فرماندهان فراری طالبان به نام ملا اختر محمود است. نظیفه احساس با ابراز تاسف از خانه نشین شدنش و اینکه گزارشگر زن دیگری برنامه زبان پشتویی را اجرا نمی‌کند می‌گوید : " طالبان تمایل بیشتری به تهدید روزنامه نگاران زن دارند تا مردان خبرنگار." نظیفه که همسرش نیز خبرنگار است و یکبار از دست اختطاف‌گران فرار کرده است به گزارشگران بدون مرز می‌گوید " نمی‌تواند تصور کند که چگونه امنیتش می‌تواند تضمین شود."

### در میان فریب خبرسازی و دروغ، دشواری دسترسی به اطلاعات

"نیروهای خارجی در باره عملیات نظامی از جمله تعداد کشته‌شدگان غیر نظامی افغان اخبار موتقی ارائه نمی‌کنند. این نوعی دستکاری خبر در مورد اطلاعاتی حساس است" این گفته‌ی یکی از خبرنگاران آژانس خبری پژواک است. اما **کاپیتان**

گزارش افغانستان حوت ۱۲۸۷

به ۸۸ درصد افغانی‌ها دارای یک دستگاه رادیو هستند ولی فقط یک درصد به شکل مرتب روزنامه می‌خوانند.



خبرنگاران به شکل جدی ناراضی خود را از مشکلات پیش‌رو برای تصدیق مستقلانه آمار تلفات غیرنظامی عملیات‌ها اعلام می‌کنند. همکار افغان یکی از آژانس بین‌المللی در این باره می‌گوید: "موازن امنیتی ما بسیار سخت گیرانه است. مناطقی هم که این حوادث روی می‌دهد بسیار خطرناک هستند. از سوی دیگر ما به دلیل ازدیاد خبر عملاً امکان حرکت نداریم. ما وابسته به منابع خود هستیم که خبرهای آنها هم متضاد هستند."

در پاسخ به انتظارات مطبوعات ایساف در سپتامبر سال گذشته "media action team" را تشکیل داد که گروهی از روزنامه نگاران انتخاب شده هستند و همراه نظامیان به محل درگیری برده می‌شوند. کاپیتان مارک ویندسور توضیح می‌دهد که "ما سعی کردیم یکبار این کار را انجام دهیم ولی به دلیل عدم تضمین امنیت، نمی‌توانیم خبرنگاران را دقیقاً به محل حادثه ببریم، آنها این را قبول نکردند." و یکی از خبرنگاران خارجی در پاسخ می‌گوید "اگر قرار است در ۲۰ کیلومتری محل حادثه بمانم چرا باید با این گروه برویم؟ این کار اجازه تصدیق مستقلانه هیچ خبری را نمی‌دهد و در روابط مطبوعات و نظامیان هم ایجاد توهم می‌کند."

از سوی دیگر تعدادی از عکاسان مطبوعاتی و فیلم‌برداران نیز از عصبیت سربازان نیروهای ائتلاف و گارد ریاست جمهوری شکایت دارند. خبرنگار آژانس فرانس پرس می‌گوید "آنها ما را هل می‌دهند، و

است! و هر دو طرف هم وقتی آمارشان را منتشر نکنیم عصبانی می‌شوند." دانش کروخیل مدیر خبرگزاری پژواک مشکل واقعی را در این باره طرح می‌کند. "ایساف و افسران مستقر در بگرام از ما می‌خواهند که اخبار را موثق کنیم. اما وقتی ما مستندات "اشتباه" منجر به کشته شدن غیرنظامیان را می‌دهیم آنها هم چنان به انکار آن ادامه می‌دهند. تاکنون هیچ سرباز و افسری برای کشته شدن غیرنظامیان مجازات نشده‌اند." این روزنامه نگار در تاریخ ۲۰ ژانویه از سوی **کلنل جورج ژولیان** مورد تعرض لفظی قرار گرفت و متهم شد که نمی‌داند روزنامه نگاری چیست. آژانس خبری پژواک اسنادی در رابطه با حادثه‌ای در تکاب بدست آورده که در آن ۱۵ غیر نظامی بدست نیروهای امریکایی کشته شده بودند. نیروهای امریکایی ادعا کرده بودند که این عده از طالبان بوده‌اند. با این حال یک هفته بعد نظامیان امریکایی به بازماندگان غرامت پرداختند.

گزارشگران بدون مرز تأیید می‌کند که برای یک رویداد مهم در باره درگیری‌های دست کم پنج روایت مختلف وجود دارد: روایت طالبان، روایت وزارت دفاع، روایت رئیس جمهور، روایت ایساف، و روایت طالبان در اکثر مواقع اولین روایت ارسال شده برای رسانه هاست.

بعنوان مثال در هنگام دیدار گزارشگران بدون مرز با یک خبرنگار در کابل وی این اس ام اس را از یکی از فرماندهان طالبان در جنوب دریافت کرد "عبرت نتیجه تنبیه. سه موتور نابود شد." این گزارشگر یکی از رادیوهای بین‌المللی می‌گوید "من نمی‌توانم این خبر را همینطوری نشر دهم باید با مقامات رسمی و نیروهای ائتلاف برای تصدیق خبر تماس بگیریم. اگر درست باشد، در آخر خبر از نقل قول طالبان هم استفاده می‌کنم. اما اگر آن را منتشر نکنم طالبان ناراضی می‌شوند و برای من خطرناک است"

به ویژه بر روزنامه‌نگاران رادیو و آژانس‌های خبری، فشار طرف‌های درگیر بیشتر است. در اصل نزدیک

گزارش افغانستان حوت ۱۲۸۷

" بدست آوردن قرار با مسئولان رسمی طولانی است. برخی نمی‌خواهند در باره مسائل حساس حرف بزنند. اما استثنا هم هست مثلا وزیر عدلیه که حتا نیمه شب هم به تلفن من جواب داد." برای بهتر کردن ارتباطات رسمی دولت مرکز رسانه ها را تاسیس کرده است. مسئولان آن به گزارشگران بدون مرز گفتند که آنها می‌توانند به مطبوعات اخبار دقیقی را ارائه دهند. **باریلای هلالی** سخنگوی مرکز رسانه‌ها می‌گوید: "هدف مرکز ما رشد دادن وزارتخانه و نهادهای دولتی به سمت مدرنیته به معنای ارتباطاتی است. اما باید شاکای بودن مقامات رسمی را هم از دست روزنامه نگاران درک کرد. برخی از سوال‌های آنها با ذهنیت سیاسی است." همایون حمید زاده سخنگوی رئیس جمهور حامد کرزی از جمله در باره موازینی با هدف بهتر کردن روابط ارتباطاتی مقامات مسئول اطلاع داد چون: "آموزش مشاوران مطبوعاتی و سخنگویان، جلسه در باره ارتباط بین رئیس جمهور و وزرایش و تاسیس مرکز رسانه‌ها."

### در باره دسترسی به اطلاعات گزارشگران بدون مرز توصیه می‌کند:

- ۱- به دولت: تهیه قانونی برای دسترسی آسان به اطلاعات که نیروهای خارجی حاضر در افغانستان را هم در برگیرد.
- ۲- به نیروهای امریکایی: امکان بازدید از زندان بگرام که معروف به "گوانتانامو افغان" است برای همه خبرنگاران.
- ۳- نیروهای ائتلاف ایساف و نیروهای امریکایی: استفاده از "media action team" با حضور خبرنگاران افغانی هر بار که حادثه‌ای با تلفات غیر نظامیان اتفاق می‌افتد و از سوی مطبوعات طرح می‌شود.

وقتی خوششان نمی‌آید عکس‌های ما را پاک می‌کنند." در هرات یکی از همکاران همین آژانس خبری عکس‌هایش توسط سربازان امریکایی پاک شد وی از یک حمله انتحاری عکس گرفته بود. روزنامه نگاران همچنین از عدم دسترسی به پایگاه هوایی بگرام نیز شاکای هستند.

کاپیتان ویندسور در پاسخ به سوالات گزارشگران بدون مرز در باره تنش میان ایساف و خبرنگاران می‌گوید تاکنون از چنین حادثه‌ای مطلع نشده است. معاون وی در هنگام مصاحبه راهنمای مورد استفاده قرار گرفته از سوی سربازان انگلیسی را نشان می‌دهد. در این دفترچه راهنما در بخش مناسبات با رسانه‌ها نوشته شده است با خبرنگاران "مودب باشید" و "روزنامه‌نگاران را هل ندهید"

چندین کشور که به افغانستان نیروی نظامی اعزام کرده‌اند. در واحد‌های خود خبرنگاران "همراه" (embedded) دارند. برخی دیگر همچون فرانسه با هر خبرنگار یک نظامی را بعنوان راهنما همراه می‌کنند. کلنل ژروم ساله در این باره می‌گوید: "این کار برای حفظ امنیت آنهاست و برای آنکه جلوی دست و پای سربازان را نگیرند. جلوگیری از گفتمان نمونه وار نظامی است و برای دادن توضیح واقعیاتی به گزارشگر که ممکن است نداند." اگر بسیاری از خبرنگاران فرانسوی از همکاری نظامیان راضی هستند. اما یکی از خبرنگارانی که اخیرا به افغانستان رفته است از یکسانی مواضع در باره اعزام نیرو به افغانستان متاسف است و می‌گوید: "سربازان باید اجازه ابراز نظر آزادانه در باره وضعیت در محل و نقش خود را داشته باشند."

برخی از خبرنگاران شاکای اند که واکنش‌های رسمی معمولا بسیار دشوار و طولانی مدت تر بدست می‌آیند. روزنامه نگاران آژانس فرانس پرس می‌گوید "بدست آوردن اطلاعات از طالبان بسیار ساده تر است تا از مسئولان دولتی. برعکس سخنگویان دولتی وقتی با سخنگویان طالبان در شب و یا در روز جمعه تماس می‌گیریم عصبانی نمی‌شوند." و همکار وی در بی بی سی می‌گوید

گزارش افغانستان حوت ۱۲۸۷

### جمع بندی

مصونیت از مجازات برای خشونت علیه روزنامه نگاران را نخواهد داد. بسیاری از روزنامه نگاران در وحشت و ترس بسر می برند و این از وظایف دولت است که با اتخاذ تدابیری به آنها تضمین داده و اجازه دهد در آرامش وظیفه خود را انجام دهند. این تاسف بار است که در طی ماه های گذشته ده ها خبرنگار زن در اثر تهدید مجبور به ترک کار خود شوند. این خبرنگاران زن به ندرت مورد حمایت لازم قرار گرفته اند.

مقامات مسئول باید در به نتیجه رساندن پرونده ی خبرنگاران به قتل رسیده و یا مورد تهدید قرار گرفته کارایی بیشتری داشته باشند. و با تحقیقات جدی عاملان این قتل و تهدید ها را شناسایی کنند. مصونیت از مجازات در پرونده دو خبرنگار کشته شده زکیه زکی و عبدالصمد روحانی غیر قابل پذیرش است.

در حالی که بهبود شرایط امنیتی به اولویت اول دستگاه رهبری امریکا و متحدانش تبدیل شده است. رسانه های مستقل از عدم حمایت جامعه جهانی نگران هستند. فرستادن هزاران سرباز اضافه برای حل بحران افغانستان کافی نیست. نیروهای بین المللی بیش از هر کاری باید در تحکیم دموکراسی در کشور بکوشند. امری که با زنده نگاه داشتن اجتناب ناپذیر مطبوعات آزاد ممکن است.

دیپلمات یکی از کشورهای اسکاندیناوی در این باره می گوید: " دولت از بهانه امنیت استفاده می کند تا عدم پیشرفت در عرضه آزادی رسانه ها و حقوق بشر را توجیه کند. و شخصیت های اسلام گرا مثل عبدل رسول سیاف یا حاج محمد محقق نفوذ بیشتری در دولت و دستگاه قضایی پیدا کرده اند." گزارشگران بدون مرز شدیداً نگران سیاسی شدن پرونده های در ارتباط با اسلام است. بسته شدن روزنامه پیمان، زندانی کردن پرویز کامبخش و یا حملات علیه شبکه های تلویزیونی مستقل برخاسته از تحریکات سیاسی است و نه دفاع از مذهب دولتی.

وضعیت آزادی مطبوعات در افغانستان رو به وخامت می رود وظیفه دولت افغانستان است که از این انحراف نگران کننده جلوگیری کند. بدون مطبوعاتی آزاد و مستقل افغانستان نمی تواند حرکت خود را به سوی دموکراسی و توسعه ادامه دهد. رئیس جمهور و هیات دولت و همچنین جامعه جهانی باید نهایت توجه خود را به این امر مبذول دارند و تدابیری جدی در جهت تامین شرایط مناسب برای انجام وظیفه ژورنالیستان افغانی و خارجی در افغانستان اتخاذ کنند. کار کلانی در برابر افغانستان است، اما دولت در زمانی مه جنگ و بحران اقتصادی بر کشور آوار شده است بدون اطلاع رسانی آزاد و متکثر و تامین امنیت رسانه نمی توان کشور را بازسازی کرد.

در امروز افغانستان گروه های مطبوعاتی مستقل و سودآوری همچون گروه کلید و یا موبی مدیا وجود دارند. اما همین گروه های معتبر نیز مورد حمایت نیستند. مدیر هفته نامه کلید **نجیبه ایوبی** چندین بار مورد تهدید قرار گرفته است. و در سال جاری پلیس با خشونت دفتر تلویزیون طلوع را مورد تفتیش قرار داده است.

رسانه های افغانستان کاملاً توان آن را دارند که نقش " رکن چهارم" را بازی کنند. بعنوان مثال در موج آدم ربایی در سال جاری مطبوعات با کارزار انتقاد از بی عملی مقامات رسمی، دولت را مجبور به واکنش و برکناری وزیر داخله کرد. امری که حدوداً در بهتر شدن شرایط تاثیر داشت. در حالی که تحقیقات در این باره بسیار دشوار بود و مافیای تبهکاران در میان پلیس نفوذی داشت. فهمیم دشتی در این باره می گوید: " بیست دقیقه بعد از تماس من با یک افسر پلیس برای کسب معلومات در باره اختطاف یکی از نزدیکان شاه، بر روی تلفن دستی ام کسی با من تماس گرفت و مرا تهدید کرد."

گزارشگران بدون مرز براین باور است که دولت افغانستان باید مصونیت از پیگرد قضایی را جدی تلقی کرده و قاطعانه اعلام کند که اجازه استقرار

گزارش افغانستان جوت ۱۲۸۷

بودجه عمومی استفاده نکند. این در حالی است که در سال گذشته رئیس جمهور به دلیل انتقادات سیما ثمر از دستگاه قضایی به ایشان علنا حمله کرد.

غیر قابل تصور است که رئیس جمهور کرزی و یا جانشین احتمالی ایشان خواهان حمایت گسترده جامعه جهانی باشد و در همان زمان در این کشور قضاوت و دادستان و مسئولان سیاسی و رهبران مذهبی به روزنامه‌نگاران و مدافعان آزادی بیان به شکل خشونت بار حمله کنند.

**افضل نورستانی** وکیل برجسته وضعیت را اینگونه تحلیل می کند " در افغانستان ما تمرین دموکراسی را تازه آغاز کرده ایم و مردم آرام آرام دارند به قدرت خود پی می‌برند و از جمله از طریق مطبوعات، برخی گروه‌ها این را دوست ندارند چرا که قدرتشان بر بی‌خبری مردم استوار است. جوانان و روزنامه‌نگاران و روشنفکران با ساختن فضای دموکراتیک قدرت آنها را تضعیف می‌کنند."

به شکل عمومی گزارشگران بدون مرز خواهان تعهد دولت افغانستان در رعایت و پیشبرد حقوق بشر است. تاسف بار است که پس از گذشت ۷ سال از تشکیل کمیسیون مستقل حقوق بشر، چنانکه در "فراخوان پاریس" تاکید شده بود، این سازمان کارا از